

نقطه نظرانی در مورد چگونگی

# ساماندهی جامعه عشایری

## در طرح‌های جامع شهرستان

● رحیم سرور

### ■ مقدمه

جامعه عشایری کوچنده، مشتمل بر خانوارهایی است که اقتصادشان عمدتاً متکی بر دام‌داری شبانی و مرتع است و روابط اجتماعی آنها، مبتنی بر قوانین و مقررات ایلی و عشایری است. از گذشته‌های دور عواملی همچون استفاده از مراتع در مناطق سردسیر و گرمسیر، وفور آب در مناطق بیابانی و دسترسی به بازارهای فروش کالاهای تولیدی، عشایر را وادار ساخته است که به دنبال چراگاه و هوای مناسب همراه دام و خانواده خود، در چهارچوب سازمان قبیله‌ای، به بیلاق و قشلاق بپردازند و در طی قرنهای متمادی در کنار دو جامعه دیگر، یعنی جوامع شهری و روستایی و در یک بده و بستان و حالت تعادل پویا و نسبتاً پایدار، زندگی کنند. اما از چندین دهه پیش به این سو، بادهای تغییر بر زندگی عشایر وزیدن گرفته و روزبروز نیز بر شدت آن افزوده شده است. به عبارت دیگر، تحولات بی‌سابقه‌ای که از آغاز این قرن به دنبال

صنعتی شدن جوامع انسانی در سطح جهان و منطقه و جامعه ملی روی داده است باعث شده تعادل مورد اشاره بر هم بخورد و جوامع شهری با جذب صنعت در مسیر تغییر و به تعبیری در مسیر بهبود شرایط زندگی، گام بردارند. از میان جوامع، ابتدا جوامع شهری و سپس جوامع روستایی، این مسیر را طی کرده و یا در حال طی کردن هستند، اما جماعت‌های عشایری، به‌علی چند که عموماً نیز اجتناب‌ناپذیر بوده، یا در جا زده‌اند یا این که به قهقرا رفته‌اند در حال حاضر مشکل اساسی عشایر نتیجه این در جا زدن‌ها یا به قهقرا رفتن‌هاست.

به طور کلی، مشکلاتی که امروزه در زندگی عشایر کوچنده وجود دارد، موجبات اسکان خودبخودی و بدون برنامه آنها را بویژه در حاشیه شهرها پدید آورده است.

اگر این وضعیت با همین روند ادامه یابد، در

آینده‌ای نه چندان دور، باید شاهد بروز مشکلات بسیاری در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ناشی از اسکان بدون برنامه عشایر باشیم. در اینجاست که سؤال مهم و اساسی چه باید کرد؟ مطرح می‌شود و پاسخ به این که چگونه باید هزاران خانواری که در دشتها و کوهستانهای کشورمان با خانه به دوشی و حرکت فصلی به روش دیرینه آبا و اجدادی خود، طی طریق می‌نمایند و هر روز فاصله آنها با جوامع نوین دیگر، بیشتر می‌گردد را، در فرایند توسعه قرار داد؟ پیش روی ما قرار می‌گیرد و این سؤال اساسی را مطرح می‌سازد که دورنمای زندگی عشایر چیست؟ کوچ یا اسکان؟ اگر کوچ! چگونه می‌توان، آنها را کوچنده نگاه داشت، ضمن این که عقب ماندگی آنها را از قافله تمدن، حل کرد؟ و اگر اسکان! چگونه و تحت چه شرایطی می‌توان، آنها را اسکان داد؟

هدف این مقاله، دست یافتن پاسخ به این

سوالات است. برای رسیدن به این هدف، پس از تعریف واژه‌ها، ابتدا کلیه نظریات موافق و مخالف اسکان را بدون هیچ گونه اظهار نظری بر له یا علیه آنها مطرح خواهیم کرد. سپس واقعیت‌های موجود در زندگی عشایر را، ارائه خواهیم داد. در نهایت سعی در ارائه برنامه و محور توسعه زندگی عشایر خواهیم نمود. امید است بتواند، به نوبه خود در سامان‌یابی زندگی عشایر، نقشی هر چند کوچک ایفا نماید. در اینجا وظیفه خود می‌دانم که از راهنمایی‌های ارزنده همکار گرانقدر، سرکار خانم ترشیزیان نهایت تشکر و قدردانی را بعمل آورم.

## ■ تعاریف و مفاهیم

امروزه، با توجه به گسترش علوم و تخصصی شدن موضوعات و نیاز متقابل علوم به استفاده از مفاهیم و تجربیات یکدیگر، از هر جهت ضروری به نظر می‌رسد که در هر مورد، هر چه واضح‌تر، حدود و ثغور اصلاحات به کار رفته مشخص گردد.

– **عشایر:** عشایر، به جماعتی از مردم اطلاق می‌شود که دارای سازمان اجتماعی، مبتنی بر گروه‌های خویشاوندی هستند و افراد آن، ضمن احساس تعلق به این سازمان، عمدتاً جایگاه خویش را نیز، در آن می‌دانند.

– **عشایر کوچنده:** به جماعتی از عشایر اطلاق می‌شود، که اساس معیشت آنان، مبتنی بر دامداری سنتی بوده است و به منظور تعلیف دام و تأمین معاش، بین بیلاق و قشلاق حرکت منظم فصلی داشته‌اند و غالباً از سیاه چادر، آلاچیق و انواع سربینه قابل حمل، در تمام یا بخشی از سال، استفاده می‌نمایند.

با توجه به تعاریف فوق، جامعه عشایری با ویژگی‌هایی همچون قرار داشتن در یک ساخت ایلی، سرزمین مشترک، جابجایی فصلی (بیلاق و قشلاق) و دامداری به روش سنتی مبتنی بر مراتع، از جوامع شهری و روستایی متمایز می‌شوند. لازم به توضیح است که مرکز آمار ایران نیز، برای تعریف عشایر کوچنده، همین خصوصیات را ملاک عمل قرار داده است.

– **عشایر اسکان یافته:** به جماعتی از عشایر اطلاق می‌شود، که به دلایل مختلف، از کوچ دست کشیده و در محلی سکنی گزیده‌اند.

## ■ محورهای اصلی نظریات و دلایل تئوریهایی که مخالف با تداوم و استمرار کوچ‌نشینی هستند

تاکنون در جریان برگزاری سمینارها و کنفرانسها، هم چنین در مقالات و کتابهای مختلف، دلایل متعددی در مخالفت با تداوم و استمرار کوچ‌نشینی، آورده شده است، که با جمع‌بندی آنها، به طور خلاصه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– امروزه، کاهش تدریجی جمعیت کوچ‌نشین و تنگ تر شدن عرصه بر معیشت مبتنی بر دامداری سنتی از یک سو و طوفان تحولات عمیق و فراگیر جوامع بشری در زمینه‌های علمی، فرهنگی، و ارتباطات، از سوی دیگر، تداوم این نوع معیشت را بیش از پیش غیر منطقی، غیرانسانی، و ناممکن ساخته است. علاوه، بی تردید جامعه متحول امروز که از انفجار تولید، انقلاب اطلاعات و دنیای فرا صنعتی، سخن می‌گوید، عضوی فلج و ناهمگون را، در بلند مدت، بر بیکر خود تحمل نخواهد کرد.

– تفکر مربوط به اسکان و جلوگیری از ادامه کوچ‌نشینی، چیزی نیست که بر پایه‌های علمی و منطقی استوار نباشد. بلکه، یک واقعیت است و از آنجا نسات می‌گیرد، که در حال حاضر نقش و اثر وزنی عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در حفظ شیوه ایلاتی و عشایری رو به نسبی نهاده و به نفع آن، مشکلاتی در زمینه کوچ‌نشینی پدید آمده است. به نحوی که عشایر کوچنده را از کوچ جدا می‌سازد و اسکان خودبخودی آنها را، بی‌رامون شهر، پدید می‌آورد. بنابراین، آیا نایسته نیست در شرایطی که روندهای موجود، در زمینه‌های مختلف، سوق دهنده عشایر به سوی اسکان، در حاشیه شهرها می‌باشد؛ برای جلوگیری از سنگین تر شدن مشکلات شهرها و رهایی عشایر کوچنده از مشکلاتی که هر روز، ابعاد تازه‌ای می‌یابد، متوجه اسکان هر چه زودتر عشایر در مناطق مختلف و مستعد این امر، بخصوص دور از شهرها شویم.

– اندیشمندانی نظیر: ابن خلدون و توین بی، حرکت جماعت‌های عشایری را به سوی شهرنشینی پیش بینی می‌کنند و عشایر را جامعه بی تاریخی

می‌دانند، که در مقابل فشار و تحولات جوامع یکجانشین، توان مقاومت و حفظ شیوه معیشتی خود را ندارند.

براین اساس، موافقان امر اسکان، حرکت جوامع عشایر کوچنده را، به حرکت سلول زنده‌ای تشبیه می‌کنند که حرکتش یا به غنا و یا به فقر ختم می‌شود، که نهایت هر دو حالت نیز، اسکان است. پس استدلال می‌کنند، که از نظر سیر تکاملی اجتماع، جماعت‌های عشایری، در مرحله گذار به یکجانشینی هستند و ما باید با اقداماتی که منجر به اسکان می‌شود، این دورگذار و تبعات ناشی از آن را، کوتاهتر سازیم و به حداقل برسانیم.

– بر طبق نظر جمعیت‌شناسان، جمعیت عشایر کوچنده کشور، در عصر صفوی یازده میلیون نفر، برآورد شده است. با توجه به کل جمعیت ایران در آن زمان، یعنی چهل میلیون نفر (بر طبق برآورد شاردن سیاح فرانسوی)، جامعه عشایری ۲۸ درصد از مردم کشورمان را، در عصر صفویه تشکیل می‌داده است. امروزه برخلاف رشد سریع جمعیت و فزاینده‌ی آن در شهر و روستا، جمعیت عشایری، سیر نزولی دارد. به طوری که با گسترش آبادی نشینی به حدود ده درصد، در آغاز دهه ۴۰ و به کمتر از ده درصد در دهه ۵۰ و به کمتر از پنج درصد در دهه کنونی، رسیده است. علت اصلی این کاهش و روی آوری عشایر به زندگی شهری و روستایی فشار و تنگناهای به وجود آمده، در این بخش است. بنابراین، اسکان عشایری راه حل مناسبی است، که می‌تواند، برای جامعه عشایری در جهت کاستن از مشکلات عدیده آنها، مفید واقع شود. از جمله دلایلی که در زمینه اسکان عشایر مطرح می‌شود توجه به جنبه انسانی تکیه و همچنین توجه به منابع تولیدی کشور است.

موافقان امر اسکان عشایر معتقدند، از طرفی عشایر بعنوان عضوی از این جامعه به خدمات مختلف رفاهی در زمینه‌های گوناگون نیازمندند و از طرف دیگر عدم تعادل بین دام‌های عشایر با مراتع کشور، تخریب و فرسایش شدید منابع عظیم و اصلی تولیدی کشور، یعنی آب و خاک را به دنبال دارد. بنابراین ضرورت دارد، به منظور خدمات رسانی آسان و بهتر به عشایر و برخوردار ساختن آنها، از امکانات ضروری زندگی از

طرفی و جاوگیری از تخریب و فرسایش روزافزون منابع آب و خاک از طرف دیگر، هرچه زودتر، برنامه‌های اسکان عشایر، برای عشایر کوچنده، تهیه و به مورد اجرا، گذاشته شود.

## ■ محورهای اصلی نظریات و دلایل تنوریهایی که موافق با تداوم و استمرار کوچ نشینی هستند.

در مقابل دیدگاهها و نظریات مختلف موافق با اسکان عشایر کوچنده، نظریات و دلایلی وجود دارد، که بر ادامه کوچ نشینی تأکید می‌نماید و در واقع، مخالف برنامه‌های اسکان می‌باشد. مهمترین این نظرات، به طور خلاصه عبارتند از:

... عده‌ای از اندیشمندان، نگهداری بخش عمده‌ای از دام کشور توسط عشایر و نقشی که عشایر در زمینه تولید پروتئین کشور ایفا می‌کند را بزرگترین دلیل، بر اهمیت و ادامه این شکل از نظام معیشتی می‌دانند آنها معتقدند که در صورت اسکان عشایر و اشتغال آنها به کارهایی غیر از دامداری، از میزان تولید پروتئین کشور، به نحو محسوسی کاسته خواهد شد و این یعنی؛ خروج بیستر ارز، برای واردات بیشتر گوشت قرمز و در نتیجه وابستگی غذایی بیشتر به کشورهای خارجی. به عبارت دیگر، آنها معتقدند که عشایر کوچنده، نقش برجسته‌ای در توسعه اقتصادی و اجتماعی حال و آینده ایران ایفا می‌کنند و به طور کلی پذیرفته شده است که از لحاظ اقتصادی و منطقه‌ای، با توسعه متنوع فعالیتهای دامداری، سهم زیادی در رفاه اجتماعی و اقتصادی آینده کشور خواهد داشت. پس اسکان عشایر، به حال جامعه مفید نمی‌باشد.

... بعضی دیگر از موافقان ادامه روند کنونی کوچ نشینی، معتقدند این درست که اشخاصی مانند: این خلدون و توین بی، جوامع کوچنده را در مقابل فشار و تحولات جوامع یکجا نشین، دارای توان حفظ نظام معیشتی خود نمی‌دانند، ولی باید متذکر شد، که این قبیل نظرات نمی‌توانند پاسخ همه جانبه‌ای برای مسائل عشایر تلقی شوند، چرا که ما باید، از دیدگاه فرهنگ و تاریخ و وضعیت اجتماعی خود، بر



اقتصادی و اجتماعی کشور وجود دارد که در اینجا، به طور فشرده، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

**- واقعیت اول** در ارتباط با میزان نسبتاً بالای رشد جمعیت در کشور است. چرا که به لحاظ بالا بودن رشد جمعیت و نیاز روز افزون به مواد پروتئینی و با توجه به این که عشایر کوچنده در تولید گوشت قرمز کشور نقش بارزی ایفا می‌کنند؛ ناچار، به منظور تأمین گوشت قرمز طی بیست سال آینده، باید نسبت به تقویت عشایر کوچنده و همچنین بهره‌برداری هر چه بیشتر و اصولی تر، از مراتع کوشا باشیم.

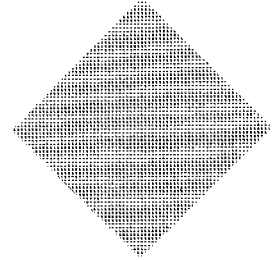
**- واقعیت دوم** در زمینه محدودیت نسبتاً شدیدی است که در زمینه مراتع عشایری، در ارتباط با تعداد دامهای عشایری وجود دارد. طبق مطالعات انجام شده، مراتع عشایری، بر اساس برداشت مجاز علوفه، تا سال ۱۳۹۰ نمی‌توانند بیش از ۱۸ تا ۲۰ است میلیون واحد دامی را پذیرا شود. زیرا با احتساب صد واحد دامی برای هر خانوار، حداکثر دویست هزار خانواده عشایری کوچنده می‌توانند تا سال ۱۳۹۰، بر پایه دامداری متکی بر مرتع، امرار معاش کنند. همچنین با توجه به رشد طبیعی جمعیت، عشایر کوچنده - به فرض عدم اسکان - تا سال ۱۳۹۰، به حدود ۳۲۰ هزار خانوار خواهد رسید بنابراین، طی این مدت حداقل بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار خانوار، قادر به ادامه امرار معاش خود بر پایه دامداری متکی بر مرتع نخواهند بود. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در سالهای آتی، یکی از مشکلات در زمینه عشایر،

جماعت‌های عشایری کشور خویش بنگریم. به فرض که بپذیریم، کاروان زندگی عشایر کوچنده، به پایان راه خود نزدیک می‌شود. ولی این امر، وظیفه و مسئولیت را از دوش ما بر نمی‌دارد؛ بلکه آنرا خطرناک‌تر می‌سازد. زیرا که جماعت‌های عشایری، دارای فرهنگی پاک و ناب و بی‌آلایش هستند، که نادیده گرفتن آن به اسکان عشایر حکم دادن، نشانه خرده‌مندی نیست. وانگهی، جامعه ایران باید، در آینده بر پایه راستی و درستی و صداقت استوار گردد و در این میان، فرهنگ جماعت‌های عشایری مصالح و مواد خام چینی بنیادی را در خود دارد.

- در حال حاضر، علاوه بر این که عشایر، بزرگترین تولید کننده دام در کشور هستند، به دلیل استفاده از منابع تجدید شونده، کمترین بار اقتصادی را نسبت به سایر بخشهای تولیدی، بر دولت تحمیل می‌کنند. لذا از دست دادن این قشر یر تلاش، ضربه‌ای بزرگ به دامداری کشور و منابع طبیعی تجدید شونده خواهد زد.

## ■ واقعیت‌های موجود در زمینه معیشت متکی بر کوچ نشینی (سیمای کلی جامعه عشایری)

بدون در نظر گرفتن کلیه نظرانی که تا بحال، در زمینه موافقت یا مخالفت با روند کنونی نظام معیشتی متکی بر کوچ نشینی ارائه شده است، واقعیت‌هایی در شرایط زندگی عشایر کوچنده در ارتباط با خصوصیات



● گروهی که به دلایل عمده، از جمله داشتن مراتع خوب، نیروی انسانی کافی، عزم راسخ برای امر دامداری و سنتی و زندگی کوچگری، تمایل به کوچ و ادامه زندگی کوچگری دارند.

● گروهی که به دلایل عمده، از جمله پایین بودن تعداد دام، نداشتن مراتع و درآمد کافی از طریق و نداشتن نیروی انسانی کافی و... تمایل به اسکان دارند.

● برنامه ریزی توسعه جامعه عشایری، باید از حرکتی دو سویه برخوردار باشد، یعنی از یک طرف باید امکانات لازم را جهت بهبود و اصلاح زندگی عشایر کوچنده فراهم ساخت و از طرف دیگر، زمینه‌های لازم را برای عشایر مستعد به اسکان فراهم نمود.

● ایجاد هر گونه تغییر و تحول در نظام زندگی و معیشت مردم، از دشوارترین کارهاست که باید مبتنی بر دانشی تخصصی و بینشی وسیع باشد. برنامه‌های اسکان، در نهایت باید، توسط متخصصانی تهیه بشود که فرهنگ دیروز و پیشرفت فردی ایران را باور دارند و از تکیه مطلق بر تصورات ذهنی خویش و کنار گذاشتن خواست و نظرات عشایر شدیداً پرهیز می‌نمایند.

سازماندهی خانوارهایی خواهد بود که مجبور به اسکان و کناره‌گیری از زندگی متکی بر کوچ نشینی می‌باشند.

**واقعیت سوم** این است که نتایج بدست آمده از مطالعات موردی را، ما نمی‌توانیم به کل جوامع عشایر کوچنده، تعمیم دهیم. چرا که جماعت‌های عشایری از نظر خصوصیات اقتصادی و اجتماعی و تغییر پذیری و روبرویی با محیط در حال تغییر، وضع یکسانی ندارند و از شرایط و موقعیت‌های متفاوتی برخوردارند. بنابراین، به خوبی در می‌یابیم که، قضاوت‌ها و اعلام نظرهای کلی و تعمیمی - آن هم از روی چند دلیلی که به صورت یک طرفه به مسائل می‌پردازند - مانند این که "عشایر در حال اسکان هستند" یا عشایر اسکان داده شده‌اند یا از کوچ و اسکان، به طور مطلق سخن گفتن، خطا و گاهی گمراه کننده است.

- **واقعیت چهارم** این است که، به علت مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی، زندگی عشایر، ماهیتی ایستا به خود گرفته است. چنان که در شرایط فعلی، نیروی محرکه عشایر کشورمان نه در جهت به حداکثر رساندن سود و مازاد اقتصادی و تولید، بلکه در جهت به حداکثر رساندن شانس بقای دام به هر قیمت ممکن، به کار می‌رود. زیرا دام، تنها منبع درآمد اقتصادی برای ادامه حیات اوست.

- **واقعیت پنجم** این که، در گذشته مهمترین عوامل تداوم شیوه تولید اقتصادی و زندگی اجتماعی این جامعه؛ یعنی انسان، دام و مرتع نسبت به هم دارای تعادل بوده‌اند، اما امروزه، این تعادل هم از درون و هم از بیرون با تأثیر پذیری از عوامل کلان اقتصادی - اجتماعی در جامعه بزرگ کنونی از بین رفته است. به عبارتی دیگر، امروزه نقش و اثر وزنی عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در حفظ تداوم شیوه معیشتی کتکی بر کوچ نشینی، رو به سستی نهاده است و جاذبه یکجانشینی، همان نفوذی را در جمعیت عشایر به وجود آورده است که جاذبه شهرنشینی در جامعه روستایی ایجاد کرده است.

بدین ترتیب، عوامل یا متغیرهایی که امروزه به منظور ارزیابی، رهیافت و دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی این جامعه، باید مورد توجه قرار گیرد،

بسیار فراگیرتر و پیچیده‌تر از گذشته است. لذا به اسکان یا به ادامه روند کنونی کوچ نشینی، حکم دادن (آن هم به‌استناد یک یا چند دلیل) نمی‌تواند قرین موفقیت باشد. به عبارت دیگر، خط مشی آینده زندگی عشایر، به هیچ وجه، نمی‌تواند و نباید از یک حرکت یک سویه برخوردار باشد. چرا که با اندکی تعمق، در می‌یابیم تمامی دلایل و نظرات موافقان و مخالفان اسکان، به نحوی گویای واقعیت‌هایی است که در مورد عشایر کوچنده ایران مصداق دارد و نباید بر اساس یک یا چند واقعیت، یک طرفه، حکم به خط مشی خاصی داد. این قبیل راه حل‌ها، بیشتر زمانی تردید برانگیز می‌شوند که واقعیت‌هایی که شالوده آنها قرار گرفته‌اند، به نحوی با خصوصیات و ادامه روند اوضاع اقتصادی و اجتماعی کل کشور، در ارتباط قرار بگیرند. به عنوان مثال، ما برای تأمین گوشت کشور حداقل برای بیست سال آینده ناگزیر از بهره‌برداری از مراتع هستیم و این در شرایطی است که تخریب مراتع را نیز در طرف دیگر قضیه داریم یادر شرایطی که مشکلات فراوان گروهی از عشایر را از کوچ جدا می‌سازد و اسکان بدون برنامه آنها را فراهم می‌آورد و اسکان یافتگان راهی مطمئن و دایمی برای کسب درآمد نمی‌شناسند. گروهی دیگر، توان ادامه این روند از نظام معیشتی را به راحتی دارند.

■ **برنامه ریزی و محور توسعه زندگی عشایر**  
با ملحوظ داشتن تمامی نظرات موافقان و مخالفان امر اسکان و واقعیت‌های موجود و استناد به خط مشی بیست ساله آینده زندگی عشایر، تا حدود زیادی می‌توان، نسبت به ترسیم خطوط اصلی توسعه جامعه عشایری - هر چند به صورتی مهمم - اقدام نمود.

اما قبل از وارد شدن و پرداختن به بحث اصلی، لازم است به طور اجمال به خط مشی بیست ساله آینده زندگی عشایری نظری بیندازیم:

خط مشی زندگی بیست ساله زندگی عشایر، توسط دبیر خانه شورایی عشایر ایران، در سال ۱۳۶۶ تهیه شده است. در این طرح، در مرحله مطالعات، کل جامعه عشایری ایران به توجه به خصیصه‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی از خود بروز می‌دهد، به‌دو گروه کلی تقسیم شده است:

الف - گروهی که به دلایل عمده، از جمله داشتن مراتع خوب، نیروی انسانی کافی، عزم راسخ برای امر دامداری سنتی و زندگی کوچگری، تمایل به کوچ و ادامه زندگی کوچگری دارند.

ب - گروهی که به دلایل عمده، از جمله پایین بودن تعداد دام، نداشتن مراتع و درآمد کافی از طریق ونداشتن نیروی انسانی کافی و... تمایل به اسکان دارند.

این طرح پس از مدنظر قرار دادن اهدافی چون ایجاد زمینه‌هایی مناسب جهت رشد استعدادهای بالقوه و بالفعل و استفاده دائمی و منظم از مراتع کشور، افزایش درآمد اقتصادی خانوارهای عشایری، حل معضلات و مشکلات اجتماعی زندگی جامعه عشایری، جلوگیری از آسیب پذیری معمول زندگی ایلی، اقدام به ارائه خط مشی بلند مدت به شرح زیر نموده است:

الف: حمایت از کوچ و تقویت و اصلاح آن، برای عشایر متمایل به کوچ.

ب: اسکان تدریجی عشایر متمایل به اسکان بنابرین، ملاحظه می‌شود که برنامه ریزی توسعه جامعه عشایری، باید از حرکتی دو سویه برخوردار باشد، یعنی از یک طرف باید امکانات لازم را جهت بهبود و اصلاح زندگی عشایر کوچنده فراهم ساخت و از طرف دیگر، زمینه‌های لازم را برای عشایر مستعد به اسکان فراهم نمود. بدین ترتیب، دیگر بحث بر سر این نیست که اسکان بهتر است و یا کوچ؛ بلکه مسأله این است که چگونه باید برای جمعیت عشایری کوچنده و جمعیت مازاد عشایری کوچنده، با توجه به شرایط هر منطقه ایلی و عشایری، برنامه ریزی کرد و الگوهای زیستی مناسب، فرارویشان قرار داد. از اینرو، به تبعیت از برنامه‌های سطوح بالاتر، برنامه‌ریزی توسعه، باید در ارتباط با دو گروه جمعیتی عشایری بدین ترتیب دنبال شود:

۱- برنامه ریزی برای عشایر کوچنده‌ای که باید طی دو دهه آینده، به دلیل محدودیت امکانات مراتع عشایری، از زندگی در کوچ و دامداری متکی بر مرتع جدا شدن و اسکان و یکجانشینی را اختیار کنند.

۲- برنامه ریزی برای عشایر کوچنده‌ای که طی بیست سال آینده، همچنان فعالیت اصلی آنان، دامداری متکی بر مرتع خواهد بود.

پس لازم است که ابتدا مناطق ایلی و عشایری دقیقاً از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و طبیعی مورد مطالعه قرار گیرند و سپس با توجه به امکانات و پتانسیلها، الگوهای زیستی مناسب، جهت عشایر کوچنده و مازاد جمعیت عشایر کوچنده، متناسب با شرایط هر منطقه ایلی و عشایری، ارائه گردد.

## نتیجه

در خانمه، به عنوان مسأله‌ای کلی، باید در نظر داشت که انتخاب شیوه زندگی امری اختیاری است و هیچ‌کس را نمی‌توان، به کوچ یا اسکان مجبور ساخت. تجربه نیز نشان داده است که اسکانهای اجباری، هرگز قرین موفقیت نبوده و نخواهد بود. از طرف دیگر، باید توجه داشت که اسکان عشایر نه یک امر ساده، بلکه تحول و تغییری بنیادی است که هرگز نباید از اصطلاح "اسکان برداشت" از چادر به چهاردوباری رفتن بعمل بیاید. وانگهی ایجاد هر گونه تغییر و تحول در نظام زندگی و معیشت مردم، از دسوارترین کارهاست که باید مبتنی بر دانشی تخصصی و بینشی وسیع باشد. برنامه‌های اسکان، در نهایت باید، توسط متخصصانی تهیه شود که فرهنگ دیروز و پیشرفت فردای ایران را باور دارند و از تکیه مطلق بر تصورات ذهنی خویش و کنار گذاشتن خواست و نظرات عشایر شدیداً برهیز می‌نمایند. قدر مسلم آن که، اسکان عشایر، نباید به صورت آرزویی ملی بروز کند، چه در این کار، ما تنها با انسانهای کوچ نشین روبرو نیستیم؛ بلکه با خود طبیعت و مقتضیات آن نیز سروکار داریم. عامل انسان و عامل محیط طبیعی، به عنوان دو جزء از یک سیستم در تقابل با یکدیگر به یک ارتباط پایا و منسجم رسیده‌اند که عدم توجه به این نکته، ممکن است موفقیت طرحهای توسعه جامعه عشایری را، دچار شک و تردید سازد.

## منابع مورد استفاده

- ۱- شهبازی عبدالله - مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر - انتشارات نشر نی چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۲- سازمان برنامه و بودجه - عشایر و مسائل

توسعه "شناخت" - مهر ماه ۱۳۵۴  
۲- کشاورز امیر هوشنگ - عشایر و مسأله اسکان انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۵  
۴- متن سخنرانی وزیر محترم جهاد سازندگی در کنفرانس بین المللی عشایر چهار محال و بختیاری، شهریور ۱۳۷۱

۵- وزارت جهاد سازندگی - نشریه جهاد - سال دوازدهم آذر و دی ۱۳۷۱

۶- دبیر خانه شورای عالی عشایر ایران - ذخائر انقلاب - شماره ۱۱ - تابستان ۱۳۶۹ شماره ۸ و ۹ پاییز در زمستان ۱۳۶۸

۷- مشیری سید رحیم - جغرافیای کوچ نشینی - انتشارات پیام نور چاپ اول ۱۳۷۱

۸- دکتر شفیق - جامعه شناسی شهری و روستایی و عشایری - جزوه درسی دوره فوق لیسانس - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ۱۳۷۳

۹- دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران - خط مشی بیست ساله آینده زندگی عشایر - شهریور ۱۳۶۶

۱۰- کیواند عزیز - حکومت، سیاست و عشایر - از قاجاریه تاکنون - انتشارات عشایری چاپ اول، ۱۳۶۸

۱۱- سازمان برنامه و بودجه استان فارس - اوضاع اقتصادی و اجتماعی استان فارس - (جوامع عشایری) - نشریه شماره ۱۷ - ۷۲ - پاییز ۱۳۷۲  
\* اسکان عشایر از دیدگاه رشد و توسعه و تحول عبارت است از "تغییر رفتار اقتصادی و اجتماعی آنان به منظور بهبود کیفیت زندگی و بالا بردن سطح زندگی خویش و گام گذاردن در مسیر تحول و پیشرفت (منبع شماره ۱۰)

